

چرا برخی مردان به دنبال مادر هستند، نه همسر؟

«مواظب باش کیف پولت را فراموش نکنی»؛ «می‌دانی ماشین بنزین ندارد؟»؛ «اگر با این لباس نازک بیرون بروی حتما سرما می‌خوری».



«مواظب باش کیف پولت را فراموش نکنی»؛ «می‌دانی ماشین بنزین ندارد؟»؛ «اگر با این لباس نازک بیرون بروی حتما سرما می‌خوری». انگار هنوز بزرگ نشده... مدام باید برای کارهای مختلف پند و موعظه‌اش کنم... همیشه باید کارهاش رو به یادش بیارم... احساس می‌کنم اگر همراهش نباشم یک‌جایی متضرر میشه... توانایی مدیریت پولش رو نداره و خیلی مواقع به راحتی وسایلش رو گم می‌کنه... برای تصمیم‌گیری خیلی به من تکیه داره و این کار به‌تنهایی براش آزاردهنده است.

مجله سپیده دانایی در ادامه نوشت: بسیاری از شما با این گروه از آقایان آشنایی دارید. این افراد همیشه نیاز دارند تا یک زن در نقش مادری حمایت‌کننده همراهشان باشد. برای آنها تفاوتی نمی‌کند این زن مادر باشد یا همسر. انتظاری که از او دارند تقریباً از یک نوع بوده و شبیه به حمایت‌های مادرانه است. بسیاری از آنها حتی در انتخاب خود برای همسری هم ملاک‌هایی خاص و ویژه را مد نظر قرار می‌دهند. آنها تمایل دارند تا همسر خود را از میان دخترانی بزرگ‌تر و با تحصیلات بیشتر و شاغل در حیطه‌ای قابل اطمینان انتخاب کنند تا بتواند نقش مادری را برایشان به خوبی ایفا کند. اگر بخواهیم مروری بر ویژگی‌های این‌گونه مردان داشته باشیم، می‌توانیم به خصیصه‌های گوناگونی در شخصیت این مردان برای طلب‌کردن این حمایت‌ها اشاره کنیم. مردانی با اعتماد به نفس رشدنیافته و ضعیف همواره به حمایت نیاز دارند.

اگرچه غرور مردانه آنها اجازه نمی‌دهد تا به‌صورت مستقیم این نیاز خود را اظهار و آشکارا طلب حمایت کنند، اما این آقایان معمولاً به‌صورت غیرمستقیم حمایت‌طلب هستند و همسر خود را با روش‌های غیرملموس برای ارائه کمک و پشتیبانی تشویق می‌کنند. بگذریم از اینکه معمولاً پس از این ارائه خدمات، دلخوری خود را اعلام می‌کنند و اعتراض خود را به همسرشان مبنی بر گرفتن استقلال و آزادی، ایجاد محدودیت، روحیه مستبدانه و تحکم‌آمیز ابراز می‌کنند. گروه دوم به مردانی اختصاص دارد که نتوانسته‌اند بخش والد و بالغ خود را رشد دهند و به‌خوبی از عهده مسئولیت‌های زندگی برآیند.

چنین افرادی ذاتاً برای اداره امور شخصی به کمک نیاز دارند؛ چراکه بدون کمک نمی‌توانند کارها را به ثمر برسانند و از مهارت‌های یک زندگی معمولی محرومند. آنان اغلب از کودک‌بی‌تدبیر و احساساتی و بی‌تأمل وجودشان استفاده می‌کنند و با شکست‌های پی‌درپی روبه‌رو می‌شوند، به همین دلیل عادت کرده‌اند تا برای مواجهه نشدن بیشتر با نتایج نامطلوب همواره از شخصی کمک بگیرند و حمایتش را بطلبند.

این شخص در دوران مجردی، مادر و در دوران تأهل، همسر آنهاست. گروه سوم را مردانی تشکیل می‌دهند که مادرانی قدرت‌طلب و سالار داشته و همواره در زندگی آموخته‌اند که برای کلیه امور با نظر و تصمیم‌های او هماهنگ بوده و طبق میل و اراده مادرشان رفتار کنند. در نظر این مردان، خانم‌ها مدیریت اصلی خانه را برعهده دارند و تصمیم‌گیرنده نهایی آنها هستند. بنابراین در گستره زیادی از زندگی‌شان اختیارات فراوانی را به همسرشان می‌سپارند.